

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»  
سال پنجم، شماره اول (بهار ۱۳۹۶)

## تحلیل کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت الله ولی

محسن ذوالفقاری<sup>۱</sup>  
حجت‌الله امید علی<sup>۲</sup>

### چکیده

الف و تسلط کم نظیر شاه نعمت الله ولی با قرآن و معارف دینی امری مشهود است که نمود بارز آن در اشعارش به چشم می‌خورد. در دیوان اشعار او مضامین و آموزه‌های قرآنی به وفور بافت می‌شود و به خاطر آشنایی زیاد و احاطه فراوان وی بر آیات قرآن به شیوه‌های مختلف ادبی (اقتباس، تضمین، تلمیح، تشبیه، تحلیل، تمثیل و ...) از آیات قرآن بهره برده است. این مقاله با هدف تحلیل کارکردهای آیات قرآن در شعر این چهره متمایز عرفان و تصوف، در پی پاسخ به این سوالات است: آیات قرآن چگونه در اشعار شاه نعمت الله بازتاب یافته است؟ تصاویر برگرفته از قرآن در شعر شاه نعمت الله چه کارکردهایی دارد؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است که به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. جامعه آماری، دیوان اشعار شاه نعمت الله است که پس از مطالعه و بررسی، مهم‌ترین اهداف و کارکردهای آیات قرآن در شعر او در چهار محور اصلی مورد بررسی قرار گرفت: ۱- کارکردهای بلاغی<sup>۰</sup> ادبی ۲- ارائه تفاسیر بدیع، شگفت و شخصی از آیات قرآن ۳- آوردن استناد و استشهاد برای تأیید مطالب عرفانی ۴- تیمن و تبرک.

**کلیدواژه‌ها:** شاه نعمت الله ولی، آیات قرآن، کارکردها و اهداف

\*تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۹

m-zolfaghary@araku.ac.ir

۱- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

H-omidali@araku.ac.ir

۲- نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

نعمت الله هست دائم با خدا نعمت از الله کی باشد جدا!

## مقدمه

شاه نورالدین نعمت الله ولی کرمانی (۷۳۱-۸۳۴.ق) موسس سلسله صوفیه نعمت اللهیه، از لحاظ کثرت آثار منظوم و منثور و وسعت دامنه ارشاد و نفوذ عقاید تربیتی در تاریخ تصوف و فرهنگ و ادب ایران دارای مقام و مرتبت رفیع و ارجمندی است؛ به گونه‌ای که در میان متصوفه ایران زمین کمتر کسی است که از حیث نشر معارف الهی و ترویج عقاید عرفانی به منزلت و پایگاه او رسیده باشد. (ر.ک. فرزام، ۱۳۷۹: بیست و یک) یکی از ویژگی‌های بارز او احتراز از عزلت و گوشه‌گیری است که با عزمی راسخ و شوقی وافر و مشربی وسیع، به تعلیم و تربیت و ارشاد سالکان طریقت و طالبان حقیقت پرداخته است. این وجه مثبت و عملی تعالیم عرفانی او باعث بروز چهره متمایزی از وی در بین بزرگان و پیشوایان تصوف شده است. او برای شخصیت معنوی انسان ارزش خاصی قائل است و با توجه به تفاوت استعداد مریدان و حوصله آنها در کسب کمالات معنوی، به ارشاد و راهنمایی آنها می‌پرداخت و همین شیوه پسندیده، رمز توفیق او در کار تعلیم و هدایت مسترشدان بوده است. شاه نعمت‌الله در اندک زمانی شهرت و معروفیتی عظیم یافت و «آوازه مکارم و فضائل صوری و صیت کمالات و مقامات معنوی او به گوش خاص و عام رسید.» (همان: ۱۵۸) همچنین نقش او در جلوگیری از انحطاطات اخلاقی و تشنگی‌های فکری و ایجاد وحدت و هماهنگی در میان طبقات مختلف مردم قابل تأمل است.

شاه نعمت الله عارفی معتدل و میانه‌رو بود و «قسمت اعظم دعاوی عارفانه و شطحیات صوفیانه وی که در بادی امر تصور نوعی انانیت و خودستایی در آن می‌رود، ناظر به مقام والای خلیفه اللهی انسان است.» (همان: سی و سه) او در پاسخ خرده‌گیرانی که اشعار او را حمل بر خودستایی و انانیت او می‌کنند، می‌گوید:

اگر گویم که نیکویم مکن عیبم که من اویم  
چنان مستم که از مستی نمی‌دانم چه می‌گویم  
... نکو آینه‌ای دارم که حسن او در آن پیدا است  
بدی من مگو عاقل اگر گویم که نیکویم

(ولی، ۱۳۸۹: ۳۸۷)

گفتنی است که او برای جلب اعتماد عامه مردم و نفوذ در دل‌های آنها در حفظ آداب شریعت اهتمام تمام نموده و مریدان را نیز به رعایت همه جانبه اصول و فروع دین وامی‌داشته است. (فرزام، ۱۳۷۹: ۱۴۸) درباره لقب شاه که پیش از نام او آمده است فروزانفر معتقد است «کلمه شاه بعد از قرن هفتم جانشین کلمه شیخ در عهده‌های نخستین شده و ظاهراً اولین بار کلمه شاه در اول نام شاه نعمت الله ولی سر سلسله درویشان نعمت اللهیه به کار رفته است.» (فروزانفر، ۱۳۱۵: ۳)

شاه نعمت الله در درجه اول عارفی بزرگ و پیشوایی روحانی بوده که برای ارشاد و تربیت مریدان و بیان حقایق عرفانی به سرودن اشعار و نوشتن رسائل گوناگون پرداخته است. ادوارد براون می‌گوید: «شهرت شاه نعمت الله بیشتر از جنبه ولایت و تصوف اوست نه شعر و شاعری؛ و منظومات او به نظر خوانندگان روی هم رفته یکنواخت و متوسط می‌آید.» (براون، ۱۳۳۹: ۶۸۶) البته حق این است که در دیوان شاه نعمت الله ترجیعات، قصاید و غزلیات زیبا، شیوا و شورانگیز با مضامین لطیف و عبارات دلنشین فراوان یافت می‌شود. دیوان اشعار او نزدیک به ۱۲۰۰۰ هزار بیت است که شامل غزل (تعداد: ۱۵۵۰)، قصیده (تعداد: ۲۷)، ترجیع‌بند (تعداد: ۴)، رباعی (۲۹۴)، مثنوی (تعداد: ۷۴) و ... می‌باشد. غزلیات او اغلب کوتاه و با الفاظ مکرر و مشحون از اصطلاحات دینی، عرفانی و فلسفی است که تحت تاثیر آموزه‌های ابن عربی است که این خود باعث نوعی تکلف و تصنع در شعر او می‌شود. قصاید او اغلب درباره توحید و اصول و مبانی عرفان و به ویژه مدح و منقبت حضرت رسول (ص) و امیرالمومنین علی (ع) می‌باشد. وی در قصیده از جهت فخامت الفاظ، عبارات و آوردن اصطلاحات ترکیبات نو به خاقانی شروانی نظر دارد ولی هیچ‌گاه به پای او نمی‌رسد.

به گواهی آثار منظوم و منثور - که بسیار هم فراوان می‌باشند - شاه نعمت الله ولی در اغلب علوم زمان از قبیل حکمت، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حدیث و ... متبحر بوده و در عرفان و تصوف و آداب و اصطلاحات و رموز و اسرار آن از سرآمدان روزگار خود به شمار می‌آمده است.

تاثیر قرآن در جای جای دیوان شاه نعمت الله دیده می‌شود و آیات قرآن در شعر او بسامد بالایی دارد. زبان شعری او زبانی است پرمایه، خوش‌آهنگ و سرشار از تصویرهای خیال‌انگیز مثل تشبیه، استعاره، مجاز و ... شاعر با تکیه بر همین قدرت تصویرسازی شاعرانه است که توانسته مضامین قرآنی را با مهارت خاص در شعر خود بیاورد. او به شیوه‌های متفاوتی از قرآن تاثیر پذیرفته است. گاه یک آیه را به صورت کامل در شعر آورده است، گاهی بخشی از آیه یا کلماتی از آیه را آورده است، گاهی

مفهوم آیه را در شعر خود ذکر می‌کند و گاهی سخن او به آیه یا قصه ای از قرآن تلمیح دارد. تاثیر آیات قرآن در شعر شاه نعمت الله هم در حوزه معنایی و هم در حوزه بلاغی و آراستن کلام ادبی شاعر دیده می‌شود. چگونگی استفاده شاعر از آیات قرآن موضوع مورد بحث در این مقاله نیست بلکه در این مقاله برخی از رویکردهایی را که شاعر به آیات قرآن دارد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در زمینه تاثیر قرآن و حدیث و کارکردهای آن دو در ادبیات فارسی و شعر شاعران پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است از جمله: در قلمرو آفتاب (موذنی، ۱۳۷۵)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی (راستگو، ۱۳۸۳)، تاثیر قرآن و حدیث در دیوان مولانا حسن کاشی آملی (ذبیحی، ۱۳۹۳)، اهداف معنایی و انگیزشی در کاربرد قرآن و حدیث (راشد محصل، ۱۳۷۲)، چگونگی ورود قرآن و حدیث به شعر فارسی (یوسفی، ۱۳۸۷) در زمینه اشعار شاه نعمت الله ولی هم پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است از جمله: سراپرده عشق (صرفی، ۱۳۸۳)، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی (فرزام، ۱۳۷۹)، نکته‌ها و نقدها (فرزام، ۱۳۸۰)، مجموعه مقالات درباره شاه سید نعمت الله ولی (پازوکی، ۱۳۸۳) و ... کارکردهای آیات قرآن در شعر شاه نعمت الله تاکنون مورد توجه دقیق نویسندگان و محققان قرار نگرفته است. در این مقاله جایگاه قرآن در اشعار شاه نعمت الله ولی از این منظر مورد بررسی قرار گرفته است و به این سوالات پاسخ داده می‌شود: آیات قرآنی چگونه و به چه هدفی در اشعار شاه نعمت الله بازتاب یافته است؟ تصاویر برگرفته از قرآن در شعر شاه نعمت الله چه کارکردی دارند؟

## بحث اصلی

### ۱- کارکردهای بلاغی- ادبی

یکی از اصلی ترین کارکردهای آیات قرآن در شعر فارسی کاربرد ادبی بلاغی است یعنی شاعران با رویکردی ادبی آیات قرآن را برای زیبایی بیشتر شعر خود به کار می‌برند و از این طریق به بلاغت شعر خود می‌افزایند. او به صورت‌های مختلف از آیات قرآن در شعر خود استفاده کرده است. گاهی مفردات لغات قرآن را در میان اشعار خود می‌آورد و که ضمن استفاده از معنی آن، ذهن مخاطب را نیز به مفهوم آیه قرآن سوق دهد:

سرمست شراب ازل و جام الستیم در مجلس ما ساقی ما غیر خدا نیست.

(ولی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

یا در بیت زیر:

اگر ملک تو باشد ملک کونین      مشو غافل ز او یک طرفه العین

(همان: ۵۹۰)

گاهی اوقات ترکیباتی از قرآن را در اشعار خود می‌آورد تا علاوه بر تزئین و تجمیل کلام خود، بر غنای معنایی و ادبی آن بیافزاید. این شگرد در شعر شاه نعمت الله بسامد بالایی دارد و شاعر از این طریق ضمن یادآوری آیه و مضمون آن، دست به ترکیب سازی می‌زند. مثلاً شاعر در شعر زیر با الهام از آیه ۱۷۲ سوره الاعراف: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» جام الست و می بلی را به صورت اضافه تشبیهی می‌آورد که مفهوم الست و بلی را در ضمن تشبیه برای مخاطب آشنا می‌سازد:

منم ز جام الست و می بلی سرمست      تو را چو نیست نصیبی از آن بلی چه خبر

(همان: ۵۲۰)

این کارکرد آیات یکی از زیباترین جلوه‌های هنری شعر شاه نعمت الله است و در این موارد آیه یا ترکیب قرآنی به عنصری دستوری در ترکیب اضافی یا ترکیب وصفی تبدیل می‌شود و در نقش مضاف‌الیه یا صفت قرار می‌گیرد. بسامد نقش مضاف‌الیه از نقش صفت بیشتر است. آیه مورد بحث در شعر شاه نعمت الله بسیار تاثیرگذار بوده و در جاهای مختلف دستمایه ظرافت‌های ادبی- بلاغی شده است. در شعر زیر:

از بلا چون کار ما بالا گرفت      مبتلاییم و بلاجوئیم ما

(همان: ۸)

شاعر با الهام از آیه ذکر شده، با واژه بلا بازی هنرمندانه می‌کند و از طرفی بین بلا و بالا جناس

درست می‌کند. در بیت زیر:

بلا بالا گرفت امروز از آن بالا که می‌دانی      چه خوش باشد بلای ما اگر باشد از آن بالا

(همان: ۲۵)

ضمن آوردن تناسب بین بلا و بالا، بالا را در دو معنای به کار می‌گیرد در ابتدا به معنای زیاد شدن

و شدت گرفت بلا را ذکر می‌کند و بعد از آن بالا اشاره به مقامی از طرف خداوند است.

در شعر زیر نیز با ترجمه بلا به درد و آوردن دُرْد تناسب آفرینی و مضمون‌پردازی تازه ای را به وجود می‌آورد:

جام دُرْد درد او درمان دل نوش کن جامی که تا یابی بقا. (همان: ۲۱)  
 تشبیه الست و بلی در شعر شاه ولی بسامد بالایی دارد و شاعر از این طریق این آیه را برای مخاطب بیشتر توجیه می‌کند:

شعر بلی را در ایه دست مایه تفسیر هم قرار داده و آن را عشق الهی می‌داند که مایه بلا شده است:  
 خوش بلائی می کشم از عشق او این بلا ما را ز بالا آمده. (همان: ۴۵۲)  
 در بیت زیر نیز بازی‌های هنری شاعر دیده می‌شود:

منم که عارف و معروف نعمت اللهم ز لا اله گذشته بلاى لا دیده. (همان: ۴۵۵)  
 یکی از مهارت‌ها و هنرنمایی‌های شاه نعمت‌الله آوردن نام سوره‌ها یا بخشی از آیات قرآن در چندین بیت متوالی است. او به دلیل الفت و تسلط کم نظیری که با قرآن و معارف دینی داشته دارد با هنرمندی زیبایی، تعداد زیادی از آیات و اسم سوره‌ها را در شعر خود به کار برده است که ضمن بیان هنرمندی هایش، حاکی از تسلط او بر قرآن و کاربرد آنها در شعر است به گونه ای که برجستگی شعر مرهون نحوه استفاده شاعر از آیات قرآن است: او در غزل زیر آیت‌های قرآن را نام می‌برد:

قل هو الله احد حرز دو ابروی تو باد ورد صاحب‌نظران فاتحه روی تو باد  
 جاء نصرالله ای شاه چو بنمودی روی آیه الكرسي تعویذ دو گیسوی تو باد  
 والضحی روی تو آمد سر زلفت واللیل آفرین بر سر زلف تو و ابروی تو باد  
 ترک و الشمس که بر جمله افلاک شه است آیت کنت تو را بازو و هندوی تو باد  
 فتح و یاسین و تبارک طرف آخر حشر این چهار آیه حق بندد و بازوی تو باد  
 ان یکاد از نفس روح امین در شب و روز دافع چشم بدان از رخ نیکوی تو باد  
 نعمت الله به دعا خوانده ز آناء اللیل که دلش بسته گیسو و رخس سوی تو باد  
 (همان: ۱۵۲)

در شعر زیر هم به دو آیه از قرآن اشاره می‌کند:

نعمت الله جان به جانان داد و رفت بر در میخانه مست افتاد و رفت

... چون ندای ارجعی از حق شنود      زنده دل از عشق او جان داد و رفت  
کل شیئی هالک الا وجهه      خواند بر دنیای بی بنیاد و رفت.

(همان: ۵۳۶)

در شعری هم که در منقبت حضرت علی (ع) می سراید چنین به دو سوره قرآن اشاره می کند:  
صورتش در طا و ها می جو که هست      معنیش در یا و سین یعنی علی. (همان: ۵۳۶)  
غلبه حال و هوا و فضای قرآنی به گونه ای بر ذهن شاعر حاکم سبب شده است که او گاه طراز  
آیات را چنان بر گستره شعر خویش می نشانند که گویی شعر او زینتی جز این آیات قرآن ندارد و گاه  
چنان معانی و مضامین قرآنی در پی و پیوند اشعار او جاری است که گویی شاعر حرفی جز مطالب  
قرآنی ندارد.

یکی دیگر از کارکردهای بلاغی آیات قرآن در شعر شاه نعمت الله این است که گاهی اوقات  
عبارت قرآنی در نقش‌های دستوری آورده می شود که لزوماً معنای آن ترکیب، همانگونه که در قرآن  
است مد نظر نیست؛ بلکه برداشت متفاوتی از ارائه می شود. در ابیات زیر هم شاعر از این آیات قرآن:  
«وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى» (النجم / ۷ تا ۱۰)  
که در مقام حضرت رسول نازل شده است، الهام گرفته است:

نقد گنج کنت کنزا را بجو در کنج دل      گوهر دُر یتیم مخزن دلها طلب  
قاب قوسین از خط محور پدید آمد تو نیز      خط برانداز از میان معنی او ادنی طلب  
(ولی، ۱۳۸۹: ۳۴)

در بیت زیر هم آیات فوق مورد تصویرسازی او قرار گرفته اند:

بر در او جنت المأوی ماست      دل مقیم جنت المأوا شده  
قاب قوسین از میان برداشته      واقف اسرار او ادنی شده. (همان: ۴۵۰)

بیت زیر:

نرفته ای تو به شرق و نیامدی از غرب      تو را ز عرش و ز رحمن و استوا چه خبر

(همان: ۵۲۱)

که به آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه/ ۵) اشاره دارد، شاعر عرش و رحمن و استوا را از این آیه گرفته و آنها را در شعر خود جدا جدا در نقش متمم جمله به کار برده است. وجود این سه کلمه در کنار هم آیه مدنظر شاعر را به ذهن مخاطب تبادر می‌کند و در ضمن آن بیان می‌دارد که هر کسی نمی‌تواند از مفهوم و چگونگی این آیه باخبر باشد.

یکی دیگر از کارکردهای بلاغی آیات در شعر نعمت الله این است که شاعر قسمتی از آیه را مشبهه- به قرار می‌دهد. در این صورت با یادآوری کل آیه، منظورش را می‌رساند. در واقع شاعر از این طریق، تصاویری شعری‌اش را از قرآن می‌گیرد و بر غنای شعر خود می‌افزاید:

هر که حق را ماند و باطل را گرفت همچو انعامی بود بل هم اضل.

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۲۵)

بیت بالا برگرفته از مضمون این آیه است:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (الاعراف/ ۱۷۹)

تصویر و معنی مرکزی بیت زیر نیز از همین آیه الهام گرفته است:

گر به بهایم کنم نسبت خصمت رواست ز آن که بهایم بود خصم تو بل هم اضل

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۲۴)

## ۲- ارائه تفسیر بدیع، شگفت و شخصی از آیات قرآن

رویکرد دیگر شاه نعمت الله به آیات قرآن تفسیرهای بدیع و توضیحات شگفت‌انگیز او از آیات قرآن است. در این رویکرد شاعر به منظور شرح و بیان و گسترش آیات قرآنی و به مقتضای مباحثی، دست به تاویل می‌زند و با توجه به عقاید خاصی که دارد قرآن را تفسیر و توجیه می‌کند که ممکن است باب میل عده‌ای نباشد. این شیوه تفسیر که در بین عرفا سابقه زیادی دارد و به تفسیرهای صوفیانه مشهور است در اشعار شاه نعمت الله دیده می‌شود. او از این طریق تلاش می‌کند مراد و مقصودی که ورای ظاهر آیات است بنابر نظر خود توجیه و تفسیر کند. تفسیر او از ام‌الکتاب یکی از مواردی است که جلب توجه می‌کند. این ترکیب سه‌بار در قرآن آمده است:



«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران / ۷)

«يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد / ۳۹)

«وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف / ۴)

طبق تفاسیری که از ام الكتاب شده است این واژه به دو معنای لوح محفوظ و آیات محکم قرآن به کار رفته است. مثلاً در تفسیر نمونه ذیل آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» آمده است که «در آیات فوق در زمینه نزول معجزات یا کتب آسمانی به پیامبران وارد شده ولی یک قانون کلی و شامل را بیان می کند که در منابع مختلف اسلامی نیز به آن اشاره شده است و آن این که: تحقق موجودات و حوادث مختلف جهان دو مرحله دارد: یکی مرحله قطعیت که هیچ گونه دگرگونی در آن راه ندارد (و در آیه فوق از آن اشاره به ام الكتاب کتاب مادر شده است) و دیگری مرحله غیرقطعی به تعبیر دیگر مشروط است که در این مرحله دگرگونی در آن راه دارد و از آن تعبیر به مرحله محو و اثبات می شود. گاهی نیز از این دو، تعبیر به لوح محفوظ و لوح محو و اثبات می شود...» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۲۰)

شاه نعمت الله ام الكتاب را نور محمد می داند و در جاهای مختلف به این امر اشاره می کند مثلاً در

شعر زیر:

معنی ام الكتاب نور محمد بود اصل همه عین او عین همه چیزها

(ولی: ۱۳۸۹: ۵۰۹)

او در جای دیگر حضرت رسول را جامع مجموعه ام الكتاب می خواند:

ذره ای از آفتاب نور او نیست خالی در همه ارض و سما

نقطه نقطه دایره پیموده است وصل کرده انتها با ابتدا

جامع مجموعه ام الكتاب مظهر ذات و صفات کبریا. (همان: ۲۲)

در جایی دیگر نیز حضرت رسول را مظهر اسم اعظم خداوند می داند:

مظهر اسم اعظمش خوانم حضرت مصطفی ست سید ما. (همان: ۸)

عشق سرشار شاه نعمت الله به حضرت رسول (ص) و اهل بیت (ع) در اشعار او کاملاً مشهود است که این خود باعث برداشت‌های متفاوت عرفانی او از آیات قرآن شده است. البته این گونه تفاسیر بی‌سابقه نیست؛ بلکه قبل از شاه نعمت الله هم در بین دیگر عارفان و صوفیان رواج داشته است.

یکی دیگر از آیاتی که دستمایه تفاسیر شاه نعمت الله قرار گرفته است آیه ۵۵ سوره مائده است:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

در تفسیر این آیه میان مفسران اهل سنت و اهل شیعه اختلاف نظرهایی وجود دارد. این آیه شریفه و آیه بعدی آن مابین آیاتی قرار دارند که مضمون آنها نهی از ولایت اهل کتاب و کفار است؛ به همین جهت بعضی از مفسرین اهل سنت خواسته‌اند این دو آیه را با آیات قبل و بعدش در سیاق سوره، شرکت داده و بگویند همه اینها در صدد بیان یکی از وظائف مسلمین‌اند و آن وظیفه عبارت است از این که مسلمین باید دست از یاری یهود و نصارا و کفار بردارند و منحصرأً خدا و رسول و مؤمنین را یاری کنند؛ البته مؤمنینی که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند، نه هر کس که در سلک اسلام درآمده باشد، پس منافقینی که در دل کافرنند نیز مانند کفار نباید یاری نمود. خلاصه کلام مفسرین نامبرده این است که ولایت در این دو آیه به همان معنا است که در آیات دیگر قرآن آمده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران / آیه ۶۸)، «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب / آیه ۶) و نیز این آیات که ولایت را به مؤمنین اطلاق می‌کند: «أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال / آیه ۷۲)، «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه / آیه ۷۱) همانطوری که در این آیات، ولایت به معنای نصرت است در دو آیه مورد بحث هم به همان معنا است.

در کلام مفسران شیعه این آیه در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است و به آیه ولایت شهرت یافته است. شاه نعمت الله هم این آیه را در شأن حضرت علی (ع) می‌داند. دو بیت زیر را شاه نعمت الله در منقبت حضرت علی (ع) سروده است که در آن «انما» به آیه ۵۵ سوره مائده و «هل اتی» به آیه اول سوره انسان «هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» اشاره دارد:

صورت او هل اتی، معنی او انما است      باب حسین و حسن ابن عم مصطفاست  
آیت او انما است آنکه ولی خدا است      آنکه ولی خداست این او انما است  
(ولی، ۱۳۸۹: ۴۱)

در بیت دیگری هم به صراحت اشاره می‌کند:

جام گیتی نما علی ولی      معنی آنما علی ولی. (همان: ۵۳۳)

نکته جالب اشعار شاه نعمت الله علاقه شدید مذهبی و احترام فراوان او به حضرت رسول و خاندان و اهل بیت او می‌باشد و همین باعث شده که بسیاری از تذکره‌نویسان به تقلید و اقتباس از یکدیگر مطلقاً او را پیرو مذهب تشیع بدانند؛ اما بنابر شواهد تاریخی و قرائن و مستندات فراوانی که در آثار منظوم و منثور او یافت می‌شود، وی پیرو مذهب اهل تسنن می‌باشد. (ر.ک. فرزام، ۱۳۷۹: ۵۹۱) او در جاهایی از اشعار خود به مذهب خود اشاره می‌کند:

پرسند ز من چه کیش داری      ای بی خیران چه کیش دارم  
از شافعی و ابوحنیفه      آئینه خویش پیش دارم  
ایشان همه بر طریق جدند      من مذهب جد خویش دارم  
در علم نبوت و ولایت      از جمله کمال پیش دارم.

(ولی، ۱۳۸۹: ۶۱۵)

و او در غزلی به صراحت می‌گوید:

ای که هستی محب آل علی      مؤمن کاملی و بی بدلی  
ره مستی‌گزین که مذهب ماست      ورنه گم گشته ای و در خللی  
رافضی کیست دشمن بوبکر      خارجی کیست دشمنان علی  
هر که او هر چهار دارد دوست      امت پاک مذهب است و ولی  
دوستدار صحابه ام به تمام      یار سنی و خصم معتزلی  
مذهب جامع از خدا دارم      این هدایت مرا بود ازلی  
نعمت اللهم و ز آل رسول      چاکر خواجه ام خفی و جلی.

(همان: ۴۸۴)

با وجود این غزل و شواهد دیگری چه از دیوان اشعار او و چه رسائل وی، تردیدی در تسنن شاه ولی بر جای نمی‌ماند. (ر.ک. فرزام، ۱۳۷۹: ۵۹۳) البته بی‌شک شاه نعمت الله برای مذهب شیعه احترام زیادی قائل بوده و انگیزه اصلی علاقه و گرایش وی به تشیع نَسَب عالی سیادت وی بوده؛ خاصه آنکه خود بارها بدان اشارت نموده:

نعمت اللهم وز آل رسول  
 این چنین نسبت خوشی به تمام  
 نسبتم با علی است زوج بتول  
 خوش بود گر تو را بود والسلام.  
 (ولی، ۱۳۸۹: ۵۸۳)

نعمه الله بود ز آل حسین  
 در همه جا چو بوالحسن حسن

(همان: ۹۴)

یکی دیگر از آیاتی که شاه نعمت الله تفسیر متفاوتی از آن دارد، ترکیب مجمع البحرين از آیه ۶۰ سوره کهف است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا»

«مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ» محلّ تلاقی دو دریا. در قرآن این محلّ روشن نشده است اما مفسّران درباره آن به چندجا اشاره کرده‌اند: مراد محلّ اتصال خلیج عقبه و خلیج سوئز، یا محلّ پیوند اقیانوس هند با دریای احمر در بغاز باب‌المنذب، و یا این که محلّ پیوستگی دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس است. واژه «البحرین» در قرآن چهار بار آمده است. «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا» (فرقان / ۵۳)

«أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلُ أَكْثَرُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (نمل / ۶۱)

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (الرحمن / ۱۹)

هیچ کدام از تفاسیر محل دقیق این دو دریا را مشخص نکرده‌اند؛ بلکه جاهایی را احتمال داده‌اند. شاه نعمت الله مجمع البحرين را به دو گونه تفسیر کرده است. در یک جا مجمع البحرين را دل می‌داند:

مجمع البحرين اگر جویی دل است  
 دل بود خلوت‌سرای خاص او  
 جامع المجموع اگر گویی دل است  
 هر چه می خواهی بیا از دل بجو.

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۶۴)

برداشت دیگر وی از مجمع البحرين انسان کامل است:

حضرتی کو جامع این هر چهار  
 ... از صفای نفس او ملکوت بین  
 باشد آن انسان کامل یاد دار  
 وز مثال مطلقش جبروت بین  
 صورتش جام است و در معنی می است  
 مجمع البحرين اگر جوئی وی است

(همان: ۵۵۹)

در جایی دیگر مجمع البحرین بودن جام و شراب اشاره می‌کند:

مجمع البحرین جام است و شراب  
این شراب و جام آب است و حباب  
غرق دریایی و تشنه ای عجب  
بر سر آبی و می جوئی سراب.

(همان: ۲۵)

یکی از مواردی که زیاد مورد توجه شاه نعمت الله است تفسیر او از اسم اعظم است. تعبیر اسم اعظم هرچند در قرآن نیامده است ولی صوفیان و عرفای زیادی به تفسیر آن پرداخته اند. شاه نعمت الله به این امر بسیار توجه دارد. در یک جا اسم اعظم را این گونه توجیه می‌کند:

اسم اعظم نزد ما باشد قدیم  
یعنی بسم الله الرحمن الرحیم

(ص ۵۵۸)

### ۳- آوردن استناد و استشهاد برای تایید مسائل عرفانی

یکی دیگر از کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت الله، تایید و استنادی برای مطالب و نکات ذکر شده در اشعار اوست. شاعر از این طریق هم تاییدی برای مدعای خود می‌آورد و هم آیاتی از قرآن را تضمین می‌کند که باعث زیبایی شعر او و بیانگر مهارت و آگاهی وی از قرآن می‌باشد. در واقع او آیاتی از قرآن را به عنوان دلیل نقلی برای اثبات نظرات خود می‌آورد. در شعر زیر:

چون همه اوست غیر او خود  
گفته‌ام لا اله الا الله.

(همان: ۴۵۹)

در تایید سخن خود که غیر خدا کسی نیست قسمتی از آیه قرآن را تضمین آورده است. شاه نعمت الله در شعری که درباره فقر سخن می‌گوید پس از ذکر مطالبی در این باره به آیه قرآن استناد می‌کند:

ای که داری لباس فقر به بر  
هیچ داری ز حال فقر خبر  
شربت تلخ فقر را نوشی  
خرقه می‌بایدت که درپوشی  
... ای برون آمده ز ما و منی  
تو فقیری و کردگار غنی  
گفته حق در کلام خود همه را  
ایها الناس انتم الفقرا. (همان: ۵۸۵)

که برگرفته از آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵)

خداوند در سوره محمد آیه ۳۸ نیز به غنی بود خود و فقر بودن مردم اشاره می‌کند: «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِتُنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»

در این منظومه شاعر پیوسته پس از ذکر مطالبی درباره فقر در لابلاهای اشعار خود برای اقناع هرچه بیشتر مخاطب، به قرآن و روایات متوسل می‌شود:

|                                  |                            |
|----------------------------------|----------------------------|
| افتخار همه به حضرت اوست          | عزت فقر هم ز عزت اوست      |
| ... در حدیث آن نبی که دُر‌ها سفت | در بیان فقیر و فقرا گفت    |
| فقر در نزد مردمان شین است        | لیک در نزد حق همه زین است. |

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۸۶)

بنابراین شاه نعمت الله گاهی اوقات که مطلبی باریک و ظریف و مقول بالتشکیک را بیان می‌کند و مخاطب به راحتی اقناع نمی‌شود، برای تایید مطالب خود، آیات قرآن را شاهد قرار می‌دهد. این قبیل استفاده‌ها غالباً متضمن تطبیقی ریزبینانه، بین مطلب مورد نظر و مفهوم آیه مورد استشهاد است:

|                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| هر که با دریای ما شد آشنا     | عین ما بیند به عین ما چو ما |
| یک حقیقت در دو مظهر رو نمود   | دو نمود اما حقیقت دو نبود   |
| رویت عینی به عین ما بود       | عین ما گه موج و گه دریا بود |
| ... از اضافت بگذر و از عین هم | تا نماند جسم و روح و عین هم |
| شد هلاک این عین ما در عین او  | کل شیئی هالک الا وجهه.      |

(همان: ۵۵۴)

که برگرفته از قسمتی از آیه ۸۸ سوره قصص می‌باشد: «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» در جاهای دیگری نیز شاعر با استناد به این آیه مطالب خود را مستند و مورد تایید قرار می‌دهد:

|                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| از خدای خویش می‌گویم سخن    | تو از او بشنو نه از گفتار من |
| این معانی را بیان هم او کند | شرح این اسرار هم نیکو کند    |
| گر ز خود غایب شدی می‌گو که  | کل شیئی هالک الا وجهه.       |

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۶۸)

این عارف بارها این آیه را دستمایه استناد برای مطالب خود قرار می‌دهد:

کل شیئی هالک الا وجهه این چنین وجهی موجه هست نیست.

(همان: ۱۲۶)

شاه نعمت الله به دلیل رسالت کلامی خویش، همواره تلاش کرده است تا برای اثبات نظرات خود، براهین نقلی و عقلی اقامه کند. وجود این دلایل عقلی و نقلی در شعر او ضمن تایید صحت سخنان وی، جایگاه او را در مقام شیخ و مراد بسیاری از مریدان استوارتر می‌سازد به گونه‌ای که مخاطب کلام او را برداشتی از کلام الهی می‌داند و اقناع می‌شود:

ای برادر کسی مسلمان است که دلش از خدای ترسان است  
هر که را از خدا نباشد ترس در مدارس چه سود او را درس  
بندگان را خدای کرده خطاب فاتقوا الله یا الو الالباب. (همان: ۵۸۸)

که اشاره به این آیه قرآن دارد: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا

قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا» (الطلاق / ۱۰)

استناد شاه نعمت الله به آیات قرآن گاه جنبه تشویقی به خود می‌گیرد و از این طریق مخاطب را ترغیب می‌کند که در مسیر حق و راه سعادت حرکت کند:

عارفانه چو مومن آگاه خوش بگو لا اله الا الله  
در طریقت رفیق یاران باش هر چه داری به پای یاران پاش  
به حقیقت محقق می‌جو وحده لا شریک له می‌گو  
این نصیحت قبول کن از ما تا درائی به جنت المأوا  
ره چنین رو که رهروان رفتند راه رفتند و راه را رفتند.

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۷۵)

این گونه استنادهای شاعر به آیات قرآن بارها موجب طراوات و جذب مخاطب به خداوند می‌شود

و نور امید را در دل سالکان و مریدان روشن می‌دارد.

بنده از حق امیدوار بود گنهنش گرچه بی‌شمار بود  
... چونکه لاتقنطوا رسید نوید مشو از رحمت خدا نوید

خالق الخلق چون که غفار  
هر که نومید شد ز کفار است  
گر جهان سر به سر گناه بود  
در گذارنده‌اش اله بود.

(همان: ۵۸۸)

این نگاه شاه نعمت الله به دنیا و برجسته کردن آیاتی خاص از قرآن و تفسیر آنها، باعث جذب توده زیادی از مخاطبان به آیین و مسلک وی شده است. او معمولاً توصیه‌های اخلاقی و دینی خود را با کلامی شیرین و جذاب بیان می‌دارد و در نهایت برای تایید آن از قرآنی آیه‌ای را ذکر می‌کند:

دایم‌ای بنده ذکر یزدان گو  
خواه الله و خواه رحمن گو  
هر که او را زبان ذاکر نیست  
به حقیقت بدان که شاکر نیست  
ذکر سوزنده گناه بود  
ذکر آیین مرد راه بود  
... هر که با ذکر آشنا گردد  
همه حاجات او روا گردد  
بندگان را خطاب در قرآن  
فاذکروا الله آمد از یزدان  
لاجرم ذکر فرض عین بود  
گفتن او ادای دین بود.

(همان: ۵۸۸)

اشاره دارد به چندین آیه از قرآن از جمله: «فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أُمِّتُمْ فَأذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۲۳۹)، (بقره / ۱۹۸ و ۲۰۰)، (الحج / ۳۶)، (النساء / ۱۰۳). یا بیت زیر:

جز یکی نیست در نظر خود گو  
وحده لا اله الا هو. (ولی، ۱۳۸۹: ۴۴۳)

که اشاره دارد به این چندین آیه از قرآن از جمله: «وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (بقره / ۱۶۳)، (الحشر / ۲۳)، (غافر / ۶۵)

گر ز اسرار حق شدی آگاه  
خوش بگو لا اله الا الله. (ولی، ۱۳۸۹: ۵۷۲)

#### ۴- تیمن و تبرک به قرآن

سخن از توسل و تبرک و مشروعیت آن، مطلبی است که از دیدگاه عقل و شرع، از بدیهیات شمرده می‌شود؛ زیرا نه عقل مانع از آن است که انسان مؤمن، با اعتقاد خالص به توحید خداوند، به مقدسات این عالم تبرک جوید و به آنها احترام بگذارد و یا آنها را وسیله تقرب الهی قرار دهد و نه در



میان ادله شرعی و نصوص قرآنی و روایی می‌توان دلیلی یافت که مشروعیت تبرک و توسل را زیر سؤال ببرد. افزون بر این، شواهد و دلایل بسیاری در کتاب و سنت وجود دارد که به تبرک و توسل توصیه کرده و آن را وسیله قرب به خداوند قرار داده است. آیه کریمه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۳۵) با صراحت، دستور می‌دهد که بندگان پرهیزکار، برای راهیابی به مقام قرب ربوبی، از وسیله‌ای استفاده کنند. قرآن کریم آنجا که از یوسف صدیق (علیه السلام) سخن می‌گوید، تصریح دارد که یوسف پیراهن خود را برای پدرش یعقوب، که از فراق فرزند نابینا شده بود، فرستاد و گفت: آن را بر دیدگان وی نهند تا بینایی خود را بازیابد. «اذْهَبُوا بِمِصْصِي هَذَا فَالْقُوَّةُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» (یوسف/۹۳) قرآن کریم از ابتدا مورد احترام بوده و از این طریق کسانی که به آن معتقدند برای تیمن و تبرک، کارهای خود را با آن آغاز می‌کنند. در شعر فارسی هم بسیاری از شاعران آغاز نوشته‌های خود را با آیاتی از قرآن شروع می‌کنند. مثل نظامی:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم.

(نظامی، ۱۳۸۵: ۱)

شاه نعمت الله نیز در بسیاری از اشعار خود برای تبرک و تیمن به قرآن از آیات قرآن استفاده کرده است و از این طریق به تزیین و تجمیل (یعنی کلام خویش را با گزاره‌های قرآنی آراستن و زیبا ساختن) شعر خود پرداخته است که در کنار آن، نکته‌پردازی‌ها، هنرنمایی و ... نیز مدنظر داشته است.

خوش بیا ای یار بسم الله بگو هر چه می‌جوئی ز بسم الله بجو

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۵۳)

از دیدگاه قرآن یاد خدا مایه آرامش است و این آرامش و اطمینان قلب چیزی که از طرف خداوند بر قلوب مومنین نازل می‌شود. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (الفتح/۴) مومنین آرامش را در یاد خدا می‌دانند. شاه نعمت الله از آن دست عارفانی است که عقیده دارد سرخوشی و شادابی در یاد خداست و اگر کسی دنبال سرخوشی و آرامش است باید آن را در ذکر و نام خدا بیابد:

|                                 |                               |
|---------------------------------|-------------------------------|
| جان و جانان هر دو با هم سرخوشند | همدم اند و هر دو همدم سرخوشند |
| هر کسی نام و نشانی یافته        | عارفان با اسم اعظم سر خوشند   |
| گر کسی گوید چه باشد سرخوشی      | خوش بگو والله اعلم سرخوشند.   |

(ولی، ۱۳۸۹: ۲۰۹)

او معتقد است یاد خدا دل را روشنایی می بخشد و توصیه همیشگی او این است که ذکر حق بر لب داشته باشید:

گفتن لا اله الا الله      روشنایی دهد به قلب سیاه  
مرض قلب را شفا ذکر است      مونس جان اولیا ذکر است.

(همان: ۵۸۸)

این یادکردن خداوند شکری است بر نعمت های او و از این طریق ضامن پایداری و دوام نعمت خداوند بر بندگان می شود. شاعر با اشاره به آیه «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/۷) توجه مخاطب را برمی انگیزاند که خدا را شاکر باشد:

ای نعمت ز حق بسی داری      شکر نعمت سزد که بگذاری  
حق تعالی لئن شکرتم گفت      شاکران را گل طرب بشکفت  
هر که با نعمتش شکور بود      دولتش از زوال دور بود  
... شکر دین هم دلیل اقبال است      مرد شاکر همیشه خوشحال است  
دین به دین دار نعمت است مدام      رو بکن شکر نعمت اسلام  
هر که زین نعمت است برخوردار      بی شک او را یود سعادت یار.

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۸۹)

با توجه به ارادتی که شاه نعمت الله به حضرت رسول و دیگر اولیا دارد وجود این عزیزان را مایه رحمت می داند این عشق سرشار شاه نعمت الله به حضرت رسول (ص) که برگرفته از قرآن است به گونه ای او را احاطه کرده است که صلوات بر محمد را ردیف شعر خود قرار می دهد:

خوش رحمتی است یاران صلوات بر محمد      گویم از دل و جان صلوات بر محمد  
... صلوات اگر بگویی یابی هر آنچه جویی      گر تو ز خیل او بی صلوات بر محمد  
والله که دیده من از نور اوست روشن      جان من است و من تن صلوات بر محمد  
گفتیم از دل و جان با عارفان کرمان      شادی روی یاران صلوات بر محمد  
... خوش گفت نعمت الله رمزی ز لی مع الله      خوش گو به عشق الله صلوات بر محمد

(همان: ۵۲۰)

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

(الاحزاب/۵۶) در جایی دیگر صلوات بر پیغمبر را باعث نورانی شدن دلها می‌داند:

دل خود را منور کن جهانی را معطر کن      دهن پر شهد و شکر کن بگو صلوات

(ولی، ۱۳۸۹: ۵۱۲)

گفتنی است که احترام و اظهار محبت به انبیا و اولیای الهی از شعائر الهی است که در قرآن به

مسلمانان دستور داده شده است: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/۳۲)

این پایگاهی را که شاه نعمت الله دارد معتقد به برکت خداوند است

نعمت اله یافتیم از لطف او      بی خطا و الله اعلم بالصواب.

(ولی، ۱۳۸۹: ۲۶)

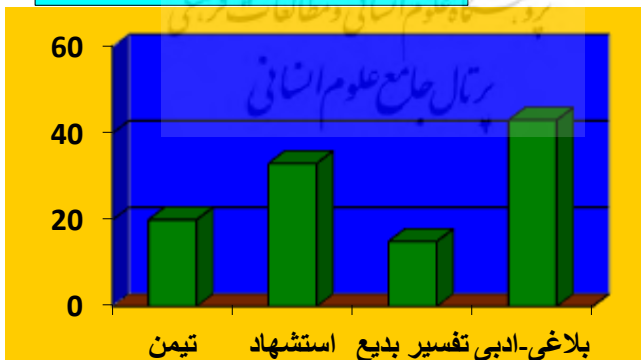


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه

نویسندگان و شاعران رازآشنا و عارف ادبیات فارسی از خوان پر نعمت و بی منت قرآن کریم بسیار بهره مند شده اند و این بهره وری ها را در خلال اشعار و نوشته های خود آشکار کرده اند. شاه نعمت الله ولی یکی از شاعران و عارفانی است که درخت تنومند شعر او ریشه در قرآن و آموزه های دینی دارد و این شاعر عارف متناسب با روحیات و اهداف تعلیمی خود از قرآن در اشعارش استفاده کرده است. از عمده ترین اهداف تعلیمی او تفهیم و تفسیر آسان و جذاب قرآن برای مخاطبان است. بی شک نقش قرآن در اشعار او همچون ستونی سترگ و محوری است که اگر این ستون نباشد چیزی پابرجا نمی ماند. شاعر به شیوه های مختلفی چون اقتباس، تضمین، تلمیح، تاویل و ... از آیات قرآن در اشعارش بهره برده است. این کاربرد آیات، اهداف و کارکردهای زیادی در اشعار شاه نعمت الله دارد که مهمترین آنها عبارت است از: کارکردهای بلاغی (که شاعر به وسیله آیات قرآن سعی در هرچه زیباتر ساختن شعر خود و افزایش بلاغت آن نموده است.) کارکرد دیگر آیات قرآن در شعر این چهره ممتاز عرفان و تصوف، ذکر تفاسیر بدیع و شخصی از آیات قرآن است که بسیار هم مورد استقبال مریدانش قرار می گرفت. از دیگر کارکردهای آیات قرآن در شعر این عارف بزرگ، آوردن استشهاد و استنادات قرآنی برای تایید مطالب عرفانی، تعلیمی و اخلاقی است تا از این طریق مخاطبان خود را بیشتر و بهتر اقناع کند. تیمن و تبرک دیگر کارکرد آیات قرآن در شعر شاه نعمت الله می باشد که شاعر از این طریق آرامش و توکل بیشتری را کسب می کند.

کارکرد آیات قرآن در شعر شاه نعمت



## منابع

### کتابها

۱. قرآن کریم
۲. براون، ادوارد، (۱۳۳۹)، از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: ابن سینا
۳. پازوکی، شهرام، (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات درباره شاه سید نعمت الله ولی، تهران: حقیقت.
۴. راستگو، سید محمد، (۱۳۸۳)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت.
۵. فروز، حمید، (۱۳۷۹)، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی، تهران: سروش
۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، نکته ها و نقدها، تهران: دانشگاه تهران.
۷. فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۱۵)، رساله در تحقیق احوال و زندگی مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی، تهران، بی نام.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸)، تفسیر نمونه، جلد دهم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۹. موذنی، علی محمد، (۱۳۷۵)، در قلمرو آفتاب (مقدمه ای بر تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی)، تهران: قدیانی.
۱۰. ولی، شاه نعمت الله، (۱۳۸۹)، دیوان اشعار، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: نگاه.

### مقاله‌ها

۱۱. خیاط، علی و محمدعلی مهدوی راد، (۱۳۹۱)، اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی آیات قرآن در نیايش معصومان عليهم السلام، علوم حدیث، سال هفدهم. شماره ۶۴.
۱۲. ذبیحی، رحمان و همکاران، (۱۳۹۳)، تاثیر قرآن و حدیث در دیوان مولانا حسن کاشی آملی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال دوم، شماره سوم، پاییز.
۱۳. راشد محصل، محمدرضا، (۱۳۷۲)، اهداف معنایی و انگیزشی در کاربرد قرآن و حدیث، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و ششم، شماره سوم و چهارم.
۱۴. یوسفی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، چگونگی ورود قرآن و حدیث در شعر فارسی، مجله پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره پنجم، زمستان.